

## کمیته هماهنگی منطقه تهران و مجمع عمومی نماینده های کارگری در سندج

جعفر عظیم زاده

پنجشنبه چهارم مهر ۱۳۸۷

کارگران تشکیل دهنده مجمع عمومی نماینده های کارگران کارخانه های شاهو، نساجی، پرریس و فرش غرب بافت طی بیانیه ای\*، پاسخی به اطلاعیه کمیته هماهنگی منطقه تهران\*\* در مورد مجمع خود داده اند و طی آن، اطلاعیه کمیته هماهنگی منطقه تهران را سانسور این مجمع نامیده و اعلام کرده اند این کمیته به دروغ گویی متوسل شده است.



بلافاصله پس از این بیانیه، کمیته هماهنگی منطقه تهران مجدداً اطلاعیه ای را تحت عنوان " هو و جنجال و تهمت زنی چرا"\*\*\* منتشر کرد و این کارگران را به برخورد هیستریک و خصمانه علیه خود متهم نمود. بیانیه دوم کمیته هماهنگی منطقه تهران میگوید، کارگران امضا کننده بیانیه به دلیل اینکه کمیته مزبور اسم کارخانه شاهو را نیاورده است، آن کمیته را به سانسور متهم کرده اند (نقل به مضمون) و با مانور حول این نکته تلاش نموده است منظور کارگران را از سانسورچی خواندن کمیته هماهنگی منطقه تهران، نیاوردن اسم کارخانه شاهو از سوی این کمیته جا بزند. این کمیته با مظلوم نمایی حق به جانبی مینویسد:

" نام کارخانه شاهو چه مشکلی برای ما داشته است که ما برای حذف آن به کار شنیعی چون سانسور متوسل شویم؟ ثانیاً در کجای ادبیات واقعا کارگری جهان و در فرهنگ کدام بخش از کارگران فراموش کردن سهوی یک اسم به سانسور تعبیر می شود؟ و بالاخره ثالثاً چرا شما به جای این تهمت یکسره ناروا دو کلمه از ما نپرسیدید که چرا نام کارخانه شاهو را نبرده ایم؟ این پرسش ها همه نشان می دهند که مشکل شما با خبر منتشره از سوی ما سانسور نیست و مسئله چیز دیگری است".

اما ببینیم واقعیت چیست؟ آیا نیاوردن اسم کارخانه شاهو مسئله این کارگران در سانسورچی و مبصر خواندن کمیته هماهنگی منطقه تهران بوده است و یا به دلایل دیگری این کمیته توسط کارگران سانسورچی و مبصر خوانده شده است؟ این کارگران در بیانیه خود آنجایی که به سانسور اشاره دارند فقط در یک جا از نیاوردن اسم کارخانه شاهو حرف زده اند و بیان آنان چنان واضح است که در آن اطلاق کلمه سانسور ربطی به اسم کارگران شاهو ندارد، توجه کنید:

"پس از انتشار گزارش دومین مجمع عمومی نماینده های کارگران تعدادی از کارخانه های سندج، کمیته هماهنگی (منطقه تهران) اقدام به صدور بیانیه ای در این زمینه کرده و با توسل به سانسور، مجمع عمومی نماینده های کارگران تعدادی از کارخانه های سندج را ضمن حذف نام کارخانه شاهو، اجتماع عده ای از کارگران کارخانه های پرریس، نساجی کردستان و فرش غرب بافت نامیده است".

در جمله فوق کلمه سانسور ناظر بر بکارگیری گزینه "اجتماع عده ای از کارگران به جای مجمع عمومی نماینده های کارگران تعدادی از کارخانه های سندج" است و نه حذف نام کارخانه شاهو.

این جمله با سانسور خواندن گزینه **مجمع عمومی نماینده های کارگران چهار کارخانه** زیر عنوان **اجتماع تعدادی از کارگران**، اشاره ای خبری نیز در لابلای آن به حذف نام کارخانه شاهو تحت عنوان "ضمن حذف نام کارخانه شاهو" دارد. یعنی به دلیل نشان دادن **اجتماع تعدادی از کارگران به جای مجمع عمومی نماینده های کارگران چهار کارخانه** سانسوری صورت گرفته و علاوه بر این سانسور، اسم کارخانه شاهو نیز حذف شده است. کلمه "ضمن" در جمله فوق بیان دونگته متفاوت در یک جمله است.

به این ترتیب پرواضح است کارگران دربیانیه خود، کمیته هماهنگی منطقه تهران را به دلیل اسم نبردن از کارگران شاهو، سانسورچی خوانده اند و آنان دلایل دیگری داشته اند که در بیانیه شان به صراحت و اظهر من الشمس به آنها پرداخته اند.

اما کمیته هماهنگی منطقه تهران دربیانیه دوم خود به نکاتی که صراحتاً توسط کارگران سانسور و دروغ پردازی نامیده شده است، پرداخته و با سنت سفسطه گری رایج اش، مسئله کارگران شاهو را به جای آنها نشانده است. با این حال و علیرغم این دست و پا زدن‌ها بار دیگر بند را آب داده است.

**این کمیته دربیانیه دوم خود مینویسد: "تصور ما این بود که عده ای از کارگران چند کارخانه نساجی سندج اجتماع کرده و درمورد حمایت از مبارزات کارگران کارخانه های دیگر از جمله کارگران لاستیک البرز تصمیماتی گرفته اند" و سپس اضافه میکند: ما اضافه کردیم که «در برخی گزارش ها از این نوع تجمعات به عنوان "مجمع عمومی" نام برده میشود.»**

قسم حضرت عباس را باور کنیم یا دم خروس را. از یک طرف می گویند تصور ما این بود و از سوی دیگر با گفتن اینکه در برخی گزارش ها از این نوع تجمعات به عنوان مجمع عمومی نام برده شده است اقرار میکنند عین خیر را خوانده اند. وقتی نهادی تصور دلخواهی خود را به جای عین خبر بسیار شفاف می خوانده است می نشاند و به جای بکار بردن عنوان - مجمع عمومی نماینده های منتخب مجامع عمومی کارگران چهار کارخانه (یا اصلاً سه کارخانه) می نویسد: اجتماع مشترک تعدادی از کارگران، دارد هم نام این حرکت و هم ماهیت شرکت کنندگان در آن را انکار میکند. آیا اسم اینکار سانسور نیست؟

این کمیته دربیانیه اول خود نوشته است: "این اصطلاح تا جایی که ناظر بر حضور شمار هر چه بیشتر کارگران در نشست ها و اجتماعات و بالا بردن ظرفیت شورایی این اجتماعات باشد بسیار بجا است. اما در ادبیات برخی محافل به طور معمول نوعی تشکل سندیکالیستی نیازمند اتصال به محافل غیر کارگری را القا می کند، که طبعاً تعبیری زیانبار، فرقه ای و در تعارض با اساس سازمانیابی سراسری، شورایی و ضد سرمایه داری توده های کارگراست. پیداست که کارگران سه کارخانه نساجی سندج تعبیر نخست را مد نظر دارند و از روایت دوم سخت بیزار هستند"

کارگران با صدای بلند اعلام می دارند ما به پشتوانه منتخب بودن خود از سوی مجامع عمومی کارگران کارخانه های محل کارمان، مجمع عمومی نماینده های کارگران چهار کارخانه را برگزار کردیم و اتحادیه آزاد کارگران آنرا منتشر میکند، آنوقت این کمیته می گوید این تعبیر برخی محافل... بوده است!! و بلافاصله اعلام میکند کارگران این کارخانه ها تعبیر کمیته هماهنگی منطقه تهران مد نظرشان است!! که ما حاصل آن آن نیز میشود: اجتماع مشترک عده ای از کارگران

چهار نساجی و بسیار ارزنده!! آیا این دروغ پردازی نیست؟

اما چرا توسل به سانسور و دروغ پردازی؟ آیا این کمیته نمی توانست همانطور که در بیانیه خود مدعی شده است، با آوردن عین خبر، تعبیر خود را از مجمع عمومی ارائه دهد و ثابت کند همایش نماینده های کارگران چهار کارخانه نباید مجمع عمومی نماینده های کارگری تلقی شود؟

دلیل توسل به سانسور و ... چیست؟ اینکه این کمیته با توسل به سانسور و زیر لوای دو تعبیر "رفرمیستی و ضد سرمایه داری از مجمع عمومی"، به مجمعی متشکل از نماینده های کارگری تعرض می کند اشتباهی لپی ویا از سرمحفل گرایی و یا دستگاه سانسور بودن اینان نیست. بلکه تعرض به سنت مجمع عمومی و تلاش برای پس زدن آن در میان کارگران است. کمیته هماهنگی (منطقه تهران) که هویت فکری و پراتیکی خود را بر دشمنی با تحزب یافتگی کارگران و تطهیر دستگاه سرکوب و اختناق بنا نهاده است، در روند سیر طبیعی و اجتناب ناپذیر هویتی اش، این بار از طریق توسل به سانسور و زیر لوای "دو تعبیر رفرمیستی و ضد سرمایه داری از مجمع عمومی"، مستقیم و بی واسطه تیغ بر آگاهی و شعور طبقاتی کارگران کشیده و تحت فشار جنبش کارگری سمت و سوی منافع زمینی موجود در پس ادعاهای لغو کار مزدی خود را، لخت و عور در برابر کارگران قرار داده است.

اینها آن نکات نهفته در اطلاعیه پراکنی های اخیر کمیته هماهنگی منطقه تهران در رابطه با مجمع عمومی نماینده های کارگران تعدادی از کارخانه های سنندج است که باید بطور مفصل تری به آنها پرداخته شود.

ما در مقاله دیگری این جنبه از مسئله را بیشتر خواهیم شکافت و تلاش خواهیم نمود با پرداختن به نقش کلیدی مجمع عمومی به همان شکلی که تا کنون کارگران کارخانه های سنندج اقدام به برگزاری آن کرده اند، منافع طبقاتی ما حاصل تعرض به آنرا نشان دهیم.

جعفر عظیم زاده

۱۳۸۷/۷/۳

\*نماینده های کارگران کارخانه های نساجی کردستان، پرریس، شاهو و فرش غرب بافت  
ما میسر و سانسور چی نمیخواهیم، ما کارگریم و با برگزاری مجمع عمومی خود را متحد می کنیم  
\*\* اجتماع مشترک کارگران نساجی های سنندج  
\*\*\* هو و جنجال و تهمت زنی چرا؟